



فصلنامه فرهنگی ارمنیان

پارسا

بهار ۱۳۸۸

شماره ۴۷

سال سیزدهم



Janssem

۲۵۰۰ تومان

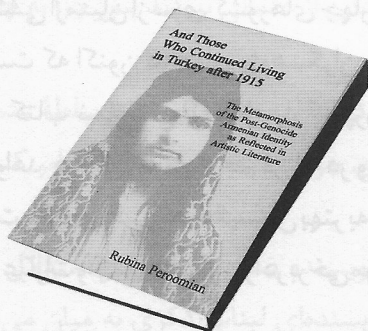
۱۶۲ صفحه

آنان که پس از ۱۹۱۵ به زندگی در ترکیه ادامه دادند*

پس از وقایع ۱۹۱۵، طی سالیانی طولانی، دولت ترکیه در محیطی آکنده از ترس و در فضای مبهم حقوق اقلیت‌های قومی، سیاست توأم با فشار و اختناق و انکار مصرائه مسئله ارمنیان را با نگرشی منتخب و دلخواه به تاریخ گذشته دنبال می‌کرد. در این سال‌ها، هویتی فرمایشی به اجبار بر گروه‌های قومی ساکن در جمهوری ترکیه تحمیل شد و اجتماع ارمنیان، در پی واقعه مصیبت‌باری که بر آنان گذشته بود، در زیر بار رنجی در آوار و سکوتی ناگزیر مدفون شد. اما با تحولات سیاسی اخیر در جهان دیوار این سکوت ترک برداشته است. وقایع ۱۹۱۵ و وضعیت دشوار بازماندگان در ترکیه اعم از مسیحیان، به اجبار مسلمان شده‌ها یا ارمنیان در خفا مانده به صورت حماسی و تمثیلی در نوشته‌های ادبی بیان شدند. این شیوه بیان هنری انعکاس رنجی همیشگی و تداوم آن در زندگی این بازماندگان است، کسانی که به ترکی لقب «واژه شمشیر» دارند؛ یعنی، آنان که به ناحق از تیغ شمشیر در رفته‌اند.

داستان‌هایی که نویسندگان ترکیه بر ملا کرده‌اند افشای بی‌پروای خاطرات شهروندانی است که اجدادی ارمنی داشته‌اند. اشاره‌های نامعلوم و گنگ به این وقایع در داستان‌ها و ادبیات ارمنی ترکیه پرده از چهره بازماندگان پس زده است، خاطراتی مملو از تغییر اجباری دین، تنزل از شأن انسانی، تحقیر و آزار جنسی مردان و زنان و نزدیکان از دست رفته و... این تصویر تصویری است چند چهره از هویتی که در کل عنوان ارمنی ترکیه دارد و پدیده‌ای است کاملاً متضاد با هر آنچه که از ارمنیان دیاسپورا (ارمنیان پراکنده در جهان) در بررسی‌های عمیق هویتی، جامعه‌شناختی و روان‌شناختی شناخته شده است.

مؤسسه - موزه ارمنی قتل عام



روبینا پیرومیان
ترجمه آرمینه کاراپتیان

مسخ هویت ارمنیان در دوره پس از
قتل عام و بازتاب آن در ادبیات هنری
بیست و چند سال قبل، زمانی که آثار مربوط
به قتل عام ارمنیان را برای موضوع رساله

* نوشتار حاضر ترجمه‌ای است از پیش‌گفتار کتاب زیر:

Rubina. Perroomian, *And Those Who Countinued Living In Turkey after 1915; The Metamorphosis of the Post - Genocide Armenian Identity as Reflected in Artistic Literature*. (Yerevan: The Armenian Genocide Museum - Institute, 2008).

حوزه تخصصی تحقیقات خود برگزیدم، پیش‌بینی نمی‌کردم که عمق مطالعات همه تلاش‌ها، فعالیت‌های اجتماعی و زندگی‌ام را در خود غرق کند. رویارویی با شقاوتی بی‌سابقه و تأثیر آن بر احساسات مستلزم کشمکشی روزانه بود.

کتاب حاضر و سه‌گانه‌ای که این کتاب قسمتی از آن است، تنها بخشی از آن چیزی است که در آرزوی انجامش هستم. امیدوارم که در ژرفای اقیانوس تلاشی که ملتم در راه سازگاری با قتل‌عام تاریخی‌اش و غلبه بر پیامدهای آن دارد، به نتیجه‌ای پایانی دست یابم. در اولین تک‌نگاشت سه‌گانه تحقیقاتی‌ام، واکنش‌های ادبی به فاجعه: مقایسه‌ای میان تجربه ارمنی‌ها و یهودی‌ها^۱ به واکنش ادبی ارمنیان دیاسپورای بازمانده نسبت به گذشته وحشتناک والدین و اجدادشان توجه و انتقال دردی مدام و خاطره‌ای به جای مانده از فاجعه‌ای را، که بعدها به منزله نخستین نسل‌کشی گسترده قرن بیستم شناخته شد، از نسل اول به نسل‌های بعد دنبال کرده‌ام.

در دفتر حاضر، دومین بخش از سه‌گانه، بر شرح تأثیرات این تجربه تلخ بر شکل‌گیری و استحاله هویت بازماندگانی که به زندگی در ترکیه ادامه داده‌اند متمرکز شده‌ام. بنابراین، به منظور تأکید بر این دگرگونی، عنوان بازنمود مسخ هویت ارمنیان پس از قتل‌عام در آثار هنری را برای عنوان فرعی این تک‌نگاشت انتخاب کرده‌ام.

در نظر دارم این سه‌گانه را با تألیف کتابی در خصوص بررسی بازتاب خاطره تاریخی نسل‌کشی ارمنیان در ادبیات ارمنیان شوروی به پایان برم، جایی که در آن صحبت از قتل‌عام موضوعی ممنوع بوده. در این بخش، ثابت خواهم کرد، به رغم جو اختناق و فضای خصمانه‌ای که نه تنها در آن نوشتن از گذشته و ستمگری‌های ترکیه بلکه صحبت کردن در مورد آن جرمی قانونی و قابل تعقیب محسوب می‌شده، چگونه خاطره این قتل‌عام در داستان‌های پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها و در محدوده خانه‌های آنها به نسل‌های بعد انتقال یافته. این خاطره با ظرافت و به دقت در آثار ادبی طنین‌انداز شده و جالب اینکه خاطره آزارهای بعدی در دوران شوروی نیز به آن اضافه شده است.

در این بخش، بر تحمیل مسلک و سیاست‌های دولتی شوروی در برخورد با تاریخ ارمنیان و خاطره جمعی تلخ گذشته تأکید خواهم کرد و به منظور مطابقت با نظریه‌ای که

۱. کتاب واکنش‌های ادبی به فاجعه نسخه مشروح و بسط داده شده رساله دکترای نویسنده است (دانشگاه کالیفرنیا، ۱۹۸۹). این کتاب را انتشارات دانشجویان ممتاز در آتلانتای جورجیا تحت حمایت مرکز مطالعات شرق نزدیک در UCLA در ۱۹۹۳ به چاپ رسانده است.

در دفتر حاضر آن را بسط داده‌ام مقایسه‌ای خواهم کرد میان جو ترس حاکم بر ارمنستان شوروی آن زمان با وضع روحی حاکم بر جامعه ترکیه امروز. تفسیر واکنش ادبی متأثر از احساسات منتقل شده به نسل بعد و هویت «ارمنی بودن» دو وجه دارد. اول اینکه، در مطالعات مربوط به نوشته‌های قتل عام و بررسی اثرات آن در نسل‌های آینده دریافتیم گذشته فاجعه‌بار ملی، در طول زمان، نقشی قاطع در ساختار هویتی و قومی از لحاظ احساس ارمنی بودن ایفا کرده است. با این استنباط لزوم به کارگیری دیدگاهی دیگر با تأکید بر این ساختار پیش آمد که بار دیگر به ادبیات ختم می‌شد. درباره این نوع آثار ادبی، که هدف آن انتقال و زنده نگه داشتن هویت قومی است، بارها در مقالات متعددی که در سال‌های اخیر منتشر ساخته‌ام تأکید ورزیده‌ام. دومین و مهم‌ترین وجه عدم دسترسی به ادبیات ارمنی ترکیه برای بررسی واکنش‌های ادبی ارمنی - ترکی نسبت به این فاجعه بود چرا که هیچ موردی وجود نداشت.

روشنفکران ارمنی بازمانده، که در قسطنطنیه (استانبول) پس از جنگ گرد آمدند، برای غلبه بر اثرات روانی مخرب حاصل از نابودی ملت خود و یافتن شیوه‌ای ادبی برای فرارفتن از فاجعه، تلاشی فوق بشری به کار بردند.

مکتب ادبی ناپایدار باردزراوانک^۱، که آن را واهان تکیان^۲، هاگوپ اوشاگان^۳، گوستان زاریان^۴، شاهان بربریان^۵ و ... در ۱۹۲۲م بنا نهادند، کوششی بود در راه رسیدن به این هدف. این مکتب و ادبیات حاصل از آن رستاخیزی جدید را در تاریخ ادبیات ارمنستان غربی نوید می‌داد.^۶

رسیدن به این حیات مجدد مستلزم رویارویی با گذشته، درک فاجعه و مقابله و پاسخ به آن بود. کتاب سرود پیروزی امپراتوری، نوشته اوشاگان، بهترین بیانگر این مسیر جدید ادبی است.^۷

به هر حال، این مکتب و دیگر فعالیت‌های ادبی مرفقی در قسطنطنیه با پیشروی

1. Bardzravank

2. Vahan Tekeian

3. Hagop Oshagan

4. Gostan Zarian

5. Shahan Berberian

۶. این جنبش به پیروی از نام ارگان رسمی خود، باردزراوانک، نام‌گذاری شد. نشریه باردزراوانک تنها یک سال، در ۱۹۲۲، انتشار یافت و سپس، به دنبال یورش کمالیست‌ها به استانبول انتشار آن قطع شد.

۷. هاگوپ اوشاگان، سرود پیروزی امپراتوری (استانبول: بی جا، ۱۹۸۳).

اوشاگان در مقدمه‌اش بر مجموعه پنج داستان از این دوره تفسیر خود را از وقایع ۱۹۱۵ و نقش قیصر آلمان، ویلهلم، به منزله تماشاگری بی تفاوت به رشته تحریر درآورده. او در کتاب بعدی خود به نام بازماندگان (Mnasordats) به بحث درباره موضوع همکاری آلمان ادامه داده است. برای کسب اطلاعات بیشتر رک: روبینا پیرومیان، واکنش‌های ادبی به فاجعه (جورجیا: انتشارات دانشجویان ممتاز، ۱۹۹۳)، ص ۱۷۳ - ۲۱۵.

مصطفی کمال به سوی شهر تعطیل شد و روشنفکران ارمنی از ترس دستگیری‌های مجدد قسطنطنیه را ترک گفتند. در واقع، دورهٔ پراشوب بین سپتامبر ۱۹۲۲ و اکتبر ۱۹۲۳، که مقارن بود با تصرف و به آتش کشیدن سمیرنا (ازمیر کنونی) به دست ارتش کمالیون و اعلام جمهوری ترکیه، تنها فرصت فرار از کشور بود. پس از استقرار جمهوری و تا ۱۹۴۶ هیچ مجوزی برای خروج از کشور صادر نشد. «درها بسته بودند» و اکثر روشنفکرانی که در قسطنطنیه (استانبول) باقی مانده بودند تحت تعقیب قرار گرفتند. در نتیجهٔ فضای آکنده از ترس و فشار سیاسی حاکم حیات فرهنگی اقلیت‌ها از بین رفت. نویسندگان نامی بازمانده از ۱۹۱۵، ناتوان از بیان آزادانهٔ رنج‌های مردم خود، یا به کلی دست از نوشتن برداشتند یا هرازگاهی با فورانی از اندوهی تمام به کار خود ادامه دادند. علی‌رغم محیط نامساعد، در دوران بعد از به قدرت رسیدن مصطفی کمال (۱۹۲۳) و اعلان دورهٔ جمهوری و در شرایطی که استانبول تنها کانونی در ترکیه بوده و هست که ادبیات ارمنی در آن خلق می‌شود، ادبیات ارمنی - ترکی یا ادبیات ارمنی استانبولی پس از جنگ جهانی دوم گام‌های چشمگیری در بیان هنری برداشته است. در واقع، این ادبیات در چند دههٔ اخیر با جهشی عظیم و پس از دورهٔ رکود در اثر افسردگی و مانع سیاسی نفوذناپذیری که در برابر خود داشته در جست و جوی راهی برای طلوع مجدد است.

در کورسوی نوری که مشکوکانه بر حقوق و اختیارات اقلیت‌ها در خصوص برپایی مراسم دینی و تأسیس مدارس و مؤسسات فرهنگی^۱ می‌تابد، روشنفکران حوزهٔ ادبیات در ترکیه بر روی طناب بندبازی گام برداشته‌اند و همواره مراقب بوده‌اند که از روی آن نلغزند. به همین دلیل از موضوع رنج‌های گذشته بر ملت خود دوری کرده‌اند. طی دهه‌ها سال، ادبیات و به خصوص، شعر ارمنی استانبول دنباله‌روی ادبیات نوین جهانی بوده و بدون محدودیت از نظر صورت و محتوا و با اندیشه‌ای متعالی و انسان‌گرایانه به موضوع

۱. امروزه از فرهنگ با ارزش ارمنیان، اعم از فرهنگ دینی و آموزشی، چیز زیادی در استانبول باقی نمانده است. نشریاتی که منعکس‌کنندهٔ زندگی اجتماعی هستند، مانند ژاماناک (Zhamanak)، مرمره (Marmara)، مجلهٔ تئاتری کولیس (Kulis)، لرابر (Lraber)، روزنامهٔ خبری سراسقفی، سورپ پر کیچ (Surp Perkich)، ارگان بیمارستانی به همین نام و آگوس (Agos)، که جدیدترین هفته‌نامهٔ دوزبانه است، بی‌وقفه به کار خود ادامه می‌دهند. علاوه بر اینها، هفته‌نامه‌هایی مانند شوقاگات (Shoghakat)، نورسان (NorSan) و هاندس مشاکویتی (Handes Mshakuiti) پس از چند دهه سکوت اجازهٔ انتشار یافته‌اند. سر اسقفی ارمنیان استانبول مانند همیشه بر امور دینی و فرهنگی ارمنیان نظارت می‌کند (از قرن پانزدهم میلادی). بیش از ۳۵ کلیسا در استانبول وجود دارد که تنها ده تای آنها فعال هستند. این تعداد باید با ۴۷ کلیسایی که در ۱۹۱۵م فعالیت داشتند مقایسه شود. بعضی از این کلیساها تبدیل به مسجد شده‌اند. دو کلیسای پروتستان و شش کلیسای کاتولیک نیز در استانبول فعال هستند. همچنین، هجده مدرسهٔ ارمنی، تعدادی یتیم‌خانه، یک بیمارستان و هفت قبرستان، که شیشلی معروف‌ترین آنهاست، نیز در استانبول وجود دارد.

مورد علاقه‌اش؛ یعنی، صفات انسانی پرداخته است.^۱ نویسندگان و شاعران ارمنی، با بینش و ادراکی منحصر به فرد از دنیا و بشریت، از عشق‌ها، امیدها، رؤیاهای آرزوها، درد و رنج بشریت و تلاش برای عدالت و برابری سروده‌اند. آنان به خوبی بر احساس خود غلبه کرده و «من» را جایگزین «من جمعی» ساخته‌اند. آنان تلاش‌های فردی را به جای تلاش‌های جمعی به کار گرفته‌اند.^۲

زاهراد،^۳ با نام اصلی زاره یالدرچیان، چهره‌ای برجسته و پیش‌گام در عرصه شعر ارمنی استانبول پس از جنگ جهانی دوم بود و پس از او نیز زاره خراخونی^۴ شیوه او را پی‌گرفت. در گرایش به جهان وطنی نویسندگان ارمنی ترکیه همگام و همراه با نویسندگان ترک پیش‌قدم و کوشا بودند و در مجالس ادبی، که با عنوان ادبیات ترکیه تشکیل می‌دادند، روشنفکران ترک را به شرکت در این مجالس دعوت و تشویق می‌کردند. تکرار این مجالس ادبی و شهرتی که یافت سبب رنجش برخی از ارمنیان شد. روبر هادجیان^۵ از هاکوپ مارتایان^۶ در یکی از جلسات کمیته تشکیلاتی نقل می‌کند که: «لازم است به فکر نان خود باشیم و نان ما؛ یعنی، فرهنگ ما در کام شیر است و بر ما واجب است که زمام آن را در دست خود گیریم».^۷

با همه اینها درست نیست که فکر کنیم پس از جنگ جهانی دوم در ترکیه ادبیات ارمنی کاملاً به موضوعات ملی ارمنیان می‌پرداخت و انعکاسی از جامعه نداشت. هیلدا کالفیان در تحلیلی از شعر نوین ارمنی استانبول می‌گوید:

«در اشعار سوررئالیستی، هنگام خلق اثر، نمادها به کمک شاعر می‌آیند تا با معانی

۱. با قطع ارتباط با دنیای خارج، روشنفکران ارمنی فقط از طریق ادبیات نوین ترکی و مجلات ادبی ترکی به مکاتب ادبی جهان مانند سوررئالیسم غربی، رئالیسم اجتماعی در اتحاد شوروی و شیوه‌های معاصر شعر معرفی شدند اما این ارتباط به معنای اثر پذیرفتن ادبیات ارمنی استانبول از ادبیات معاصر ترک نیست.

۲. اونیک فشجیان (Oninik Fechjian) با شعر «واجارود» (فروشنده) بهترین نمونه برای شعر ارمنی استانبول است.

3. Zahrad

وی متولد ۱۹۲۴ در استانبول و دست‌پرورده فرهنگ ارمنی استانبول پس از جنگ جهانی دوم و به خصوص، دوران حیات مجدد ادبی است. شعر زاهراد نمایانگر فعالیت‌های فرهنگی و دینی است که از فضای بهبود یافته اقتصادی و آزادی موقت سیاسی جان گرفته بود.

4. Zareh Khrahuni

وی در ۱۹۲۶ در استانبول متولد شد. او علاوه بر کتاب‌های شعرش، منتقدی هنری و همچنین تحلیلگر و حامی سرسخت شعر نوین ارمنی بود.

5. Rober Haddejian

6. Hakop Martaian

۷. روبر هادجیان، هوشاتر- ۱۵ (۱۹۹۹)، ص ۲۰۱.

متعدد به تفاسیر متعدد بینجامند. هر آنچه قومی و ملی است به زحمت قابل تشخیص است. شعر سروده شده در ظاهر بی خطر است اما از طریق هنر و برگردانی که بیانی صریح ندارد به سطح خودآگاهی خواننده‌اش می‌رسد.^۱

اشعار زاهراد و خراخونی نیز به وضوح دارای این مؤلفه هستند. هر دو رنج بشر را در تلاش برای رسیدن به عدلت و خصایل انسانی در قالبی یأس‌آور، غمگین و سرخورده می‌سرایند. این تلاش رنج‌آور می‌تواند استعاره‌ای از مسئلهٔ ارمنیان باشد.^۲

بازگویی مسئلهٔ ملت ارمنی در توانایی و حتی آگاهی شاعران ارمنی استانبول،^۳ که حماسه‌سرای مسائل انسانی بودند، نمی‌گنجید به خصوص که در ترکیه بی‌عدالتی و ظلم آنان را احاطه کرده بود. اثر گروهی مهم این نویسندگان و شاعران با عنوان نمای عمومی ادبیات ارمنی استانبولی در دورهٔ جمهوری،^۴ در ۱۹۷۵ بیانگر حال و هوا و مسیر شعر ارمنی ترکیه در آن زمان است و برای برقراری ارتباط با ارمنیان خارج از ترکیه تلاش می‌کند. وارتان کومیکیان^۵ در مقدمهٔ این اثر می‌نویسد:

«همان طور که به وضوح می‌بینیم مکتب ادبی - هنری ارمنی استانبول در مسیر تکامل خود به موازات ارمنیان دیاسپورا و پیش‌رفت جهانی، در محدودهٔ خود و تحت تأثیر عوامل داخلی، بسیار پویاست. این جنبش هرگز قادر به رهایی خود از عقدهٔ خود کم‌بینی، که منتقدان خودبین و سرسخت آن را تحمیل می‌کنند، نیست. ناآگاهان و نظاره‌گران بی‌تفاوت خارج از ترکیه هم درست این رفتار را دارند».^۶

این مطلب نه تنها توجیه‌گر وضعیت ادبی - هنری زمانه است بلکه بیانیه‌ای است که

۱. هیلدا کالفیان، اشعار نوین ارمنیان بولس (Bolsahay Nor Banasteghtsutiune)، (بی‌جا: بی‌نا، ۱۹۹۸)، ص ۱۱.
۲. یکی از اشعار خراخونی با عنوان «تاریخ» (Patmutiun)، که دربارهٔ دو برادر به نام‌های روموس و رومولوس و تولد شهر روم است، با این چهار خط شروع می‌شود:

توتم آنها گرگ/ و مال ما بره بود/ به این توجه کنید/ بقیه تاریخ است/ نکته در اینجاست.
این شعر اشاره‌ای غیر مستقیم به تاریخ و روابط ارمنیان و ترکیه است.

۳. روبر هادجیان می‌گوید: «روشنفکران ارمنی در سال‌های ۱۹۵۰ هیچ ارتباطی با ارمنستان و ارمنیان دیاسپورای خارج از ترکیه نداشتند و از زندگی، ادبیات و به طور کلی مسائل ارمنیان خارج از ترکیه هیچ چیز نمی‌دانستند». او اضافه می‌کند که دیاسپورا هم از ادبیات ارمنی ترکیه خبری نداشت و فکر می‌کرد که شعر و شاعری اساساً در ترکیه مرده است. رک: هادجیان، همان، ص ۲۰-۱.

۴. تسوواک، کومیکیان و روبر هادجیان، نمای عمومی ادبیات ارمنی استانبولی در دورهٔ جمهوری (استانبول: بی‌نا، ۱۹۷۵).

5. Vartan Komikian

۶. همان، ص ۲۱۹.

بین سکوت ۳۵ ساله، از هنگام شروع مکتب ادبی باردزراوانک تا اعلام غرور آفرین تولد چهره‌های نوین ادبی که نبوغ و انگیزه پیشینیان خود را دارا بودند، پلی ارتباطی برقرار می‌کند.

پس از آنکه حلقه محاصره رژیم نظامی ترکیه تنگ‌تر شد بسیاری از این نویسندگان و شعراء که موضوعاتی مانند عدالت بشری، برادری و برابری بین انسان‌ها را مورد توجه قرار می‌دادند، سوسیالیست به حساب آمدند و از طرف حکومت محاکمه و زندانی شدند.^۱ همه این اتفاقات و تجارب تلخ گذشته سرانجام با شیوه‌های جدید اما محتاطانه، که ثمره کار ادیبان معاصر ارمنی بود، علنی و بیان شد. جسارت آنان مخصوصاً در نوشتن داستان‌هایی از گذشته ارمنیان در ترکیه یا ترجمه‌هایی از آثار اصیل ارمنی به ترکی قابل توجه است.

فاطمه موگه گوکچک،^۲ در مقاله‌ای در مورد سکوت در گذشته جمهوری ترکیه، این شیوه جدید ادبیات ارمنی - ترکی را مورد بررسی قرار داده و درباره تردید آنها در شکستن سکوت و نوشتن درباره گذشته و تجربیات محنت‌بار خود می‌نویسد:

«خودسانسوری به خاطر اجتماع خطرناکی است که در آن زندگی می‌کنند. آنها به مدت ۷۵ سال وادار شدند تا درباره کشتار ارمنیان، که جزء اصلی و محو نشدنی حافظه پدران و اجدادشان را تشکیل می‌داد، با ایما و اشاره برای تماشاگران ترک مسلمان داستان‌سرایی کنند».^۳

آیا این تنها یک خود سانسوری ساده بود یا ترس از محاکمه و تعقیب؟ در موقعیتی که حتی صحبت کردن به زبان ارمنی در ملأ عام ممنوع بود و به اتهام نقض قانون رفتار شایسته اجتماعی بلافاصله حکم صادر می‌شد ارمنیان چگونه می‌توانستند درباره چنین موضوع حساسی، که همانا تاریخ گذشته و خاطرات قتل‌عام بود، صحبت کنند؟

توروس تورانیان، نویسنده ارمنی اهل سوریه، در ۱۹۶۳ هنگام اقامت در استانبول

۱. این مسئله خصوصاً پس از یورش‌های نظامی ۱۲ مارس ۱۹۷۱ و ۱۲ سپتامبر ۱۹۸۰ صدق پیدا کرد، زمانی که سوسیالیست‌ها به طور گسترده‌ای تحت تعقیب قرار گرفتند. نظامیان ترک به خانه‌های روشنفکران ترک و ارمنی هجوم می‌بردند و اگر کتابی از ناظم حکمت یا کارل مارکس می‌یافتند، آنها را زندانی می‌کردند.

2. Fatma Müge Gökçek

۳. فاطمه موگه گوکچک در مقاله خود با نام «سکوت در گذشته جمهوری ترکیه» به بافت و ترکیب نگارشی ارمنیان در داستان‌سرایی ترکی می‌پردازد و به خصوص آثار دو نویسنده ارمنی ترکیه، هاگوپ مینزوری و مگردیچ مارگوسیان، را بررسی می‌کند.

جمعی از روشنفکران را در خیابان می‌بیند. از شوق دیدن آنها با صدای بلند سلام و احوال‌پرسی می‌کند و درباره نویسنده‌ای که مشتاق دیدارش بوده می‌پرسد. اتفاقاً این شخص نیز که در بین گروه حضور داشته نگران از این سرو صدا، جلب توجه و به زبان آورده شدن نامش در خیابان‌های استانبول کلماتی زیر لب نجوا می‌کند که برای تورانیان مفهوم و قابل شنیدن نبوده. خانمی از این گروه، که از نویسندگان روزنامه مرمره بوده، به زبان ترکی و با لحنی شماتت‌بار می‌گوید: «آقا اگر با صدای بلند سخن می‌گویید ترکی صحبت کنید. اگر لازم است به ارمنی صحبت کنید، پس صدای خود را پایین بیاورید. اینجا ترکیه است. متوجه هستید؟»^۱

شیوه نوین نگارش درباره گذشته ارمنیان در زمان امپراتوری عثمانی هنوز اولین گام‌های مردد و محتاط خود را در ادبیات ارمنی ترکیه برمی‌دارد. مقاله‌های مندرج در روزنامه‌های مرمره و زامناک، که سعی دارد با تاباندن کورسویی از نور، نگاهی به مسائل معاصر جامعه ارمنی بیندازد کوچک‌ترین اشاره‌ای به گذشته ندارد.

مقالاتی که در هفته‌نامه آگوس^۲ درج می‌شود نیز از این نظر قابل توجه است. این هفته‌نامه، که هنوز هم بعد از ترور سردبیر آن، هراند دینک، منتشر می‌شود، توانسته است با ارمنیان ترکیه ارتباط برقرار کند، مخصوصاً با آن عده که از مناطق دورافتاده به استانبول آمده‌اند و تحصیلات ارمنی ندارند (تنها جایی که مدارس ارمنی در آن فعال هستند شهر استانبول است). هدف مهم آگوس اطلاع‌رسانی دقیق در خصوص وضعیت ارمنیان و مسائل آنان در جامعه ترکیه است. شمار اندکی از مؤلفان، مانند هاگوپ مینتزوری و مگردیچ مارگوسیان، جرئت به خرج داده و به حوزه خاطره‌نویسی پرداخته‌اند. با وجود این، هنجار غالب هنوز باقی ماندن محدوده‌های پذیرفته شده است. در واقع، برای بیان تصاویری از دلتنگی‌های زادگاه، خاطرات قتل‌عام و کوچاندن اجباری و تبعیدی که از

۱. توروس تورانیان، ارمنیان استانبول صدا می‌زنند (بی‌جا: بی‌نا، ۱۹۹۷)، ص ۲۲.

۲. تولد آگوس در نیاز و لزوم به وجود روزنامه‌ای دوزبانه بود و این خود پدیده‌ای به شمار می‌رفت. طبق اطلاعات موجود سراسقف مسروپ دوم موتافیان عده کمی از روشنفکران فعال ارمنی ترکیه را که در مطبوعات فعالیت می‌کردند فرا خواند و با تشکیل شورایی مطبوعاتی خواستار پاسخ به پرسش‌های رسانه‌های ترکیه شد تا با تهیه و نشر اطلاعات دقیق و واقعی درباره ارمنیان با آنان، که معمولاً اطلاعات دروغین و جعلی اشاعه می‌دادند، رودررو شوند. این اهتمام منجر به نشر هفته‌نامه ارمنی - ترکی آگوس شد. هراند دینک در مقام سردبیر اصلی آگوس از ابتدای تأسیس آن تا زمان ترورش در این نشریه فعال بود و پس از وی ایتین ماهچوپیان جانشین وی و سردبیر اصلی آگوس شد.

حافظه بزرگ‌ترها محو نشده و شاید هم به بچه‌ها منتقل شده خاطره‌نویسان شرحی ساده و مختصر باز می‌گویند. نه تنها در ادبیات از نوشتن درباره این فجایع اجتناب می‌شود بلکه حتی ارمنیان عادی نیز، که خود از بازماندگان قتل‌عام‌ها، تبعیدها و اخراج‌ها بوده‌اند، درباره این تجارب دردناک سکوت اختیار کرده‌اند و با نزدیک‌ترین دوستان ترک خود نیز این مسائل را در میان نمی‌گذارند.

کمال یالچین در خاتمه کتاب خود، روحم با تو به وجد می‌آید،^۱ می‌نویسد:

«به دست آوردن اعتماد ارمنیان مصاحبه شونده برای گفت و گوی آزادانه و بدون

ترس بسیار مشکل بود. آنها همیشه محتاطانه و با یک انگیزه درونی، آگاهانه یا ناآگاهانه،

هنگام صحبت با دوستان ترک گذشته خود را پنهان می‌کردند».^۲

در این بررسی، ادبیات ارمنی - استانبولی موجود را از نظر گذرانده و بر ادبیات معاصر و آثاری که موضوع قتل‌عام و کوچ اجباری و تبعید با کمال جسارت در آنها گنجانده شده تکیه و با خواندن هر آنچه در دسترس بوده سعی در کشف و بازیابی احساس ارمنی بودن کرده‌ام. یادآوری مناظر گذشته و باقی‌مانده خاطرات را از دید یک بازمانده نسل چندم، که در ترکیه زندگی می‌کند، در کتاب‌هایی که به زبان‌های فرانسه یا ارمنی ترجمه شده‌اند مطالعه و تحلیل‌های ادبیات ارمنی - ترکی را نیز بررسی کرده‌ام.

آیا نقد ادبی یا تحلیل ادبیات رازهای ناگفته را برملا خواهد کرد و گره از مسئله‌ای که در تجارب فردی و گروهی ارمنیان و حتی ترک‌ها وجود دارد باز خواهد شد؟ امیدوارم که چنین باشد و امیدوارم که منابع بیشتری از روایت‌ها و تحلیل‌های ادبی و مقالات پژوهشگران در دسترس قرار گیرد. باشد که این کتاب را سرآغاز کوششی صادقانه در گشودن حلقه گره خورده به دور گذشته ممنوع بدانیم.

1. *Seninle Güler Yüreğim*

۲. مرجع نویسنده ترجمه ارمنی کتاب روحم با تو به وجد می‌آید (*Hogis Keznov Ke Khayta*) است که سراسقف گارگین بکچیان، در ۲۰۰۳ آن را به ارمنی برگردانده. این کتاب را خانم سدیک داودیان در ۱۳۸۶ به فارسی ترجمه کرده است.

- Gökçek, Fatma Müge. ((silence in the Turkish Republican past: An Analysis if Contemporary Turkish - Armenian Literature)). unpublsh paper.
- Haddejian, Rober. *Hushatetr -15*, ((Grakan Havakuyt Suatiyei mer Partezin mej)). Istanbul: Dizgi ve baski, 1999.
- Kalfayan, Hilda. *Polsahay nor banasdegtsutiune*. Lebanon: Catholicosate of Cilicia Press, 1998.
- Oshagan, Hagop. *Kayserakan haghtertutium*. Lebanon: Librairie du Catholicossat Armenien, 1983.
- Peroomian, Rubina. *And Those Who Countinued Living In Turkey aftre1915; The Metamorphosis of the Post - Genocide Armenian Identity as Reflected in Artistic Literature*. Yerevan: The Armenian Genocide Museum - Institute, 2008.
- Toranian, Toros. *Istanbulahayere ke kanchen*. Istanbul: Aras Yayincilik, 1997.
- Tsovak, V.S., Vardan Komikian, and Rober Haddejian, eds. *Hamaynapatker hanrapedakan sherjani Istanbulahay grakanutean*. Istanbul: Armenian sanouts miutium, 1957.
- Yafcin, Kemal. Hogis keznov ke khayta. Yrans. of *Seninle Güler Yüreğim*. by Archebisho Karekin Bekjian, Primate of Armenians in Germany. Yerevan: Zangak 97 Press, 2003.